

سیره جهادی حضرت مهدی (عج)

علی تقی زاده اکبری

عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی



چکیده

جهاد مهم‌ترین راه غلبه دین حق یعنی اسلام بر تمامی ادیان به دست حضرت مهدی (عج) است. چیرگی اسلام بر سایر ادیان که هدف نهایی جهاد آن حضرت است، با از بین بردن حاکمیت شرک و کفر و استقرار حاکمیت دین حق بر سراسر گیتی تحقق می‌یابد. در این جهاد بزرگ و مقدس، فرشتگان، مؤمنان و رعب، سپاهیان و یاوران آن حضرت‌اند، و جباران و ستمگران کافر و فتنه‌گران منحرف به ظاهر مسلمان، دشمنان آن حضرت. حضرت مهدی پیش از آغاز جهاد، مردم را به پذیرش دین حق دعوت می‌کند و از یاران خویش رعایت احکام شریعت را در طول جهاد با دشمنان می‌طلبد. شمشیر نماد جهاد و به کارگیری سلاح است. جهاد آن حضرت هشت‌ماه به طول می‌انجامد.

کلید واژه‌ها: جهاد، حضرت مهدی (عج)، سیره، حاکمیت دین اسلام.

مقدمه

از وعده‌های خدای متعال در قرآن کریم، چیرگی دین حق (اسلام) بر تمامی ادیان به‌رغم ناخشنودی کافران و مشرکان است.^(۱) این وعده به بیانی دیگر در کتب آسمانی پیشین نیز آمده است. در آیه ۱۵ سوره انبیاء، خدای متعال می‌فرماید: **وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ**؛ و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

به باور تمامی مسلمانان، وعده یاد شده، به دست مردی از سلاله رسول خدا (ص) تحقق خواهد یافت، و به اعتقاد شیعه، این مرد آسمانی و موعود کسی نیست جز نهمین فرزند از نسل امام حسین (ع)، فرزند امام حسن عسکری (ع)، حضرت مهدی (عج) که هم‌اکنون زنده و از دیده‌ها غایب است.

به دلالت برخی آیات که از مؤمنان خواسته با کافران حربی بجنگند تا فتنه و شرک از روی زمین رخت بریندد و دین یکسره از آن خدا گردد^(۲) و دلالت روایت ذیل این آیات که این مهم در آخرالزمان رخ خواهد داد،^(۳) و به تصریح بسیاری از روایات مربوط به مهدویت، جهاد مهم‌ترین راه غلبه دین حق بر تمامی ادیان به دست حضرت مهدی (عج) است؛ تا جایی که در برخی روایات، قیام آن حضرت، قیام با شمشیر خوانده شده است.^(۴) اینک سخن در این است که سیره آن حضرت در جهاد چگونه است؟ آیا با سیره جهادی رسول خدا (ص) و امیر مؤمنان علی (ع) یکسان است یا متفاوت؟ پرسشهای فرعی این سؤال اصلی از این قرار است: هدف نهایی حضرت مهدی (عج) از جهاد چیست؟ به سخن دیگر، مراد از غلبه دین اسلام بر سایر ادیان چیست؟ سپاهیان آن حضرت کیان‌اند؟ با چه کسانی خواهند جنگید و چگونه و با چه ابزاری و در چه مدتی؟

این نوشتار بر آن است تا به اختصار به این پرسشها پاسخ دهد. پیش‌تر بیان این نکته بایسته است که سیره جهادی حضرت مهدی (عج) برخلاف سیره جهادی رسول خدا (ص) و امیر مؤمنان (ع)، هنوز واقع نشده است، و از همین رو اخباری که از آن حکایت کرده‌اند، همه زوایای آن را روشن نکرده‌اند.

۱. هدف جهاد حضرت مهدی (عج)

پرسش اساسی در سیره جهادی حضرت مهدی (عج)، چگونگی غلبه دادن دین حق بر سایر ادیان است. آیا این چیرگی با مسلمان کردن پیروان ادیان دیگر اعم از وحیانی و غیر وحیانی با قدرت شمشیر تحقق می‌یابد؟ به دیگر سخن، آیا حضرت مهدی (عج) با جهاد فراگیر خویش در پی آن است که غیرمسلمانان را مسلمان کند و اگر عده‌ای از پذیرفتن اسلام سر باز زدند، از صحنه گیتی براندازد تا جز پیروان دین اسلام باقی نمانند؟ از قضا پاره‌ای از روایات چنین محتوا و مضمونی دارند، از جمله: از امام کاظم (ع) درباره آیه ۸۳ سوره آل عمران^(۵) سؤال شد، حضرت فرمود: «این آیه درباره قائم نازل شده است که یهود و نصاری و ستاره پرستان و بسی دینان و مرتدان و کافران شرک و غرب عالم را از پناهگاه‌هایشان بیرون می‌کشد و اسلام را به آنها عرضه می‌کند، آن‌گاه هر کس به میل خود اسلام آورد او را به نماز و پرداخت زکات و انجام آنچه بر یک مسلمان واجب است امر می‌کند و اگر اسلام نیاورد گردشش را می‌زند تا در شرق و غرب عالم جز موحد خدا پرست کسی باقی نماند.»^(۶) در روایت دیگر آمده: «چون مهدی قیام کند، جزیه برداشته می‌شود و غیر مسلمانی نماند. او مردم را با شمشیر به دین خدا دعوت کند، هر کس نپذیرد، گردن زند و هر کس سرکشی کند، خرد سازد.»^(۷) در روایت دیگر، زرارة بن أعین گوید: از امام باقر (ع) پرسیدم: آیا قائم با مردمان مانند پیامبر (ص) رفتار کند؟ فرمود: «هیئات، هیئات، پیامبر با ملایمت با مردم رفتار می‌کرد و می‌کوشید تا محبت مردم را در راه دین جلب کند و تألیف قلوب نماید، اما قائم ما با شمشیر و قتل با مردم روبه‌رو شود. خدا به او این‌گونه امر کرده است که بکشد و توبه‌ای از کسی نپذیرد. وای به حال کسی که با مهدی بر سر ستیز آید.»^(۸)

به رغم این روایات، پاسخ پرسش مذکور منفی است، زیرا به صراحت برخی آیات، تحمیل عقیده و ایمان - گرچه حق باشد - از آن‌رو که امری قلبی و درونی است، ناشدنی است. تحمیل ظاهری اسلام نیز هر چند ممکن است و می‌توان به‌زور، کسی را وادار به گفتن شهادتین نمود، اما خدای متعال آن را اراده نکرده است. در آیه ۹۹ سوره یونس خطاب به رسول خدا (ص) آمده است: «اگر پروردگارت می‌خواست، بی‌گمان هر که در زمین

است، همه یکسر ایمان می‌آوردند. پس، آیا تو مردم را ناگزیر می‌کنی که ایمان آورند؟» آنچه خدای متعال اراده کرده این است که آدمیان در پرتو هدایت رسول خدا(ص)، خود به اختیار و با آگاهی دین حق را برگزینند. البته تهدید و انذار نیز فرموده که اگر کسانی با سوء اختیار و از روی عناد از پذیرفتن دین حق سر باز زنند، در آخرت دچار عذابی سخت و دردناک خواهند شد.^(۹) از این رو، هدف جهاد حضرت مهدی(عج) همچون هدف جهاد رسول خدا(ص) تحمیل اسلام با قدرت سلاح و شمشیر و مراد از چیرگی دین حق بر سایر ادیان، مسلمان کردن غیر مسلمانان از راه زور نیست.

البته این حقیقت با این مطلب که در آخرالزمان اکثریت نزدیک به همه ساکنان زمین، به اختیار و با آگاهی به دین حق گرایش پیدا می‌کنند و مسلمان می‌شوند، نه تنها منافات ندارد، بلکه با چیرگی دین حق به مفهومی که پس از این خواهد آمد، زمینه‌گرایش غیر مسلمانان به آن فراهم می‌شود.

مفهوم دیگر غلبه دین حق بر سایر ادیان با جهاد، از میان برداشتن حاکمیت شرک و کفر و ستم، و استقرار حاکمیت دین حق در سراسر گیتی است. معنای استقرار حاکمیت دین حق در پهنه گیتی، تشکیل حکومتی جهانی بر اساس تعالیم و آموزه‌های قرآن و سنت رسول خدا(ص) و پیشوایان معصوم(ع) و جاری شدن احکام اسلامی و قوانین و مقررات منطبق با شرع و موازین اسلامی در همه زمین است. آیاتی چند بر این معنای غلبه دین حق دلالت دارند، از جمله آیه ۵۵ سوره نور. خدای متعال در این آیه به مؤمنان وعده داده است که دین مورد پسند آنان یعنی اسلام را در سراسر گیتی حاکم فرماید. مراد از «تمکین دین» در عبارت «وَلْيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ» به قرینه آیات بسیاری که این ماده در آنها به کار رفته،^(۱۰) استقرار حاکمیت دین اسلام است نه صرف گسترش آن در میان افراد. همچنین در آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ»^(۱۱) جهاد تارفع فتنه واجب شده است. معنای فتنه به گفته برخی مفسران به قرینه «ویکون الدین لله» شرک است.^(۱۲) از آنجا که تحمیل اسلام بر مشرکان مردود است، مراد از «یکون الدین لله» استقرار حاکمیت اسلام است. در آیه جزیه^(۱۳) نیز که غایت حکم جهاد با اهل کتاب، پرداخت جزیه با حالت خضوع است، «عَنْ يَدٍ» کنایه از قدرت و سلطه مسلمانان و «هُمْ ضَاغِرُونَ» کنایه از پذیرش

حاکمیت دین اسلام از سوی اهل کتاب است. (۱۴)

هدف نهایی جهاد حضرت مهدی (عج)، استقرار حاکمیت دین حق در سرتاسر جهان است، همان هدفی که رسول خدا (ص) با جهاد خویش، در سرزمین حجاز تحقق بخشید. در روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) آمده است که آن حضرت شهرهای شرک (۱۵) و دژهای گمراهی (۱۶) را درهم خواهد کوبید و زمین را از ستم پاک خواهد نمود و شرق و غرب عالم را فتح خواهد کرد. (۱۷) همچنین آمده است که آن حضرت همچون رسول خدا (ص) با اهل کتاب با مسالمت رفتار خواهد کرد و اهل کتاب با خضوع به او جزیه خواهند پرداخت. (۱۸) تمامی این روایات گواه آن است که هدف نهایی جهاد آن حضرت، استقرار حاکمیت اسلام در سراسر گیتی است.

۲. سپاهیان حضرت مهدی

پرسش دیگر درباره سیره جهادی حضرت مهدی (عج) این است که سپاهیان آن حضرت چه کسانی اند. در روایتی از امام صادق (ع) پاسخ این پرسش نهفته است که حضرت مهدی (عج) را سه سپاه یاری می دهند؛ سپاه فرشتگان، سپاه مؤمنان و سپاه رعب. (۱۹)

۱- ۲. سپاه فرشتگان: در روایت آمده که خدای متعال مهدی (عج) را با سه هزار فرشته یاری می کند. (۲۰) نیز آمده که جبرئیل جلودار و میکائیل عقب دار لشکر او هستند. (۲۱) در برخی روایات نیز آمده که جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ او قرار دارند. (۲۲) در اینکه فرشتگان الهی چگونه آن حضرت را یاری می کنند، چند احتمال وجود دارد که احتمال صحیح آن است که فرشتگان الهی، روح ایمان، شجاعت و حماسه و ایثار را در قلب و جان مجاهدان و یاوران آن حضرت می دمند و عزم آنان را در جهاد با دشمنان راسخ تر و استوارتر می گردانند، همچنان که روحیه و عزم دشمنان را ضعیف و سست می کنند. (۲۳) در قرآن کریم آمده است که فرشتگان الهی مجاهدان مؤمن را در جنگهای بدر، احزاب و حنین یاری رساندند. (۲۴) و این یاری، دادن بشارت به آنان و آرامش بخشیدن به دل‌های آنان بود. (۲۵)

۲- ۲. سپاه مؤمنان: افزون بر سپاه فرشتگان و سپاه رعب که امداد غیبی به شمار می آیند،

مؤمنان نیز حضرت مهدی (عج) را یاری می‌کنند. قیام جهانی آن حضرت صرفاً با امداد غیبی و بدون بهره‌گیری از اسباب و عوامل فیزیکی - که نیروی انسانی پرتوان و کارآمد از مهم‌ترین آنها به‌شمار می‌رود - به‌ثمر نمی‌نشیند، چنان‌که رسول خدا (ص) نیز در جهاد با مشرکان افزون بر امداد غیبی از توان مجاهدان مؤمن سود برد، هرچند این توان نیز به‌نوعی تأیید و امداد الهی بود. خدای متعال به پیامبر (ص) می‌فرماید: **هُوَ الَّذِي أَيْدِكَ بِتَضَرُّعِهِ وَيَا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ** (انفال: ۶۲)؛ **همو (الله) بود که تو را با یاری خود و مؤمنان نیرومند گردانید.**

در روایت آمده که حضرت مهدی (عج) پس از ظهور در نخستین سخنرانی‌های خود، در کنار استمداد از خدای متعال، از مردم و مسلمانان یاری می‌طلبد.^(۲۶) در پی این فراخوانی است که ابتدا ۳۱۳ نفر - به‌تعداد مجاهدان جنگ بدر و نیز کسانی که از امتحان ننوشتن آب سربلند بیرون آمدند و باطالوت به‌جنگ جالوت رفتند - معجزه‌گونه پیرامون او گرد می‌آیند و به ندای یاری‌خواهی او لبیک می‌گویند.^(۲۷) این عده، یاران خاص آن حضرت و بنیان و اساس و فرماندهان سپاه مقتدر اویند. در روایت آمده که پس از یاران خاص، ده‌هزار نفر از نقاط مختلف جهان گرد او حلقه می‌زنند تا یاری‌اش کنند.^(۲۸)

مجاهدان حاضر در رکاب حضرت مهدی (عج)، مردانی مؤمن، استوار، صبور، نیرومند و خستگی‌ناپذیرند. امام صادق (ع) در وصف آنان فرموده است: «حضرت مهدی مردانی دارد که گویا دلهاشان پاره‌هایی از پولاد است که اندک‌تر دیدی در آنها راه ندارد. در راه خدا سخت‌تر از صخره‌اند. اگر بر کوهها یورش برند، آنها را از جای برکنند... شبها را به عبادت سپری می‌کنند و صبحگاهان سوار بر اسبان خویش‌اند. زاهدان شب و شیران روزند. نسبت به آن حضرت سخت فروتن و اطاعت‌پذیرند. آنان همچون مشعلهای فروزان‌اند و دلهاشان مانند قندیل‌هایی از نور است. تنها از خشیت الهی در هراس‌اند و همواره آرزوی شهادت در راه خدا را در سر دارند... خدا با آنان امام حق را یاری می‌کند».^(۲۹) در روایت دیگر آمده: «چون قائم ما قیام کند، خدای متعال بیماری و ناراحتی را از شیعیان ما می‌برد و دلهاشان را همچون پاره‌های آهن قرار می‌دهد و توان هر مردی از آنان را با توان چهل مرد برابر می‌گرداند».^(۳۰) در روایت دیگر آمده: «چون امر ما واقع شود و مهدی ما قیام کند، هر یک از شیعیان ما از شیر شجاع‌تر و از نیزه بُزاتر و کاری‌تر خواهد شد».^(۳۱) به لحاظ سنی،

اکثر یاران حضرت مهدی (عج) جوان‌اند و افراد کهنسال، نادر. (۳۲) در روایت آمده که آن حضرت برای انتخاب یاران خویش، آنان را می‌آزماید. (۳۳)

۲-۳. سپاه رعب: رعب به معنای ترس شدید از جنودی است که به شهادت برخی آیات، رسول خدا (ص) و مجاهدان صدر اسلام را در جهاد با مشرکان و کافران نصرت بخشید، (۳۴) و به گواهی روایات متعدد، حضرت مهدی (عج) و یارانش را یاری خواهد کرد. بنا بر یکی از این روایات، رعب به اندازه مسافت یک‌ماه از پیش و پس و راست و چپ آن حضرت حرکت می‌کند و بر دل دشمنانش افکنده می‌شود. (۳۵) این روایات نشان می‌دهد که بسیاری از دشمنان حضرت با سلاح رعب توان رویارویی را از کف می‌دهند و از پا می‌افتند، هر چند به سلاحهای پیشرفته و پیچیده مجهز باشند.

۳. دشمنان حضرت مهدی (عج)

پاسخ این پرسش که حضرت مهدی (عج) با چه کسانی خواهند جنگید، این است که کسانی که در راه استقرار حاکمیت دین بر سراسر گیتی بایستند، آماج شمشیر آن حضرت قرار خواهند گرفت و از صحنه روزگار محو خواهند شد. بنا بر آنچه در روایات آمده، اینان دو دسته‌اند؛ دسته نخست، جباران و ستمگران‌اند که با تکیه بر ثروت و قدرت خویش، حاکمیت کفر و شرکت و گمراهی را در دست دارند و جز ستم و جنایت و پایمال کردن حقوق انسانها پیشه‌ای ندارند. در روایت آمده که «هیچ ستمگری باقی نمی‌ماند مگر اینکه به دست آن حضرت هلاک می‌شود». (۳۶) دسته دوم، حاکمان و گروه‌های به‌ظاهر مسلمان‌اند که سخت منحرف و مستبد و جنایت‌پیشه‌اند، همان فتنه‌گرانی که آیات قرآن کریم را بر اساس تمایلات و هواهای نفسانی خویش تفسیر و تأویل می‌کنند و تنها خویش را مسلمان می‌پندارند، و دیگران را کافر. اینان همچون خوارج با دست‌آویز قرار دادن قرآن صامت، با قرآن ناطق (حضرت مهدی) احتجاج می‌کنند. در روایت آمده که «قائم (ع) در جهادش با چیزی برخورد می‌کند که رسول خدا (ص) برخورد نکرد، زیرا رسول خدا (ص) به جنگ کسانی رفت که سنگ‌کنده کاری و چوب تراشیده شده را می‌پرستیدند، ولی کسانی بر قائم خروج می‌کنند که کتاب خدا را بر او تأویل می‌نمایند و به استناد آن با وی

می‌جنگند».^(۳۷) از روایات استفاده می‌شود که حضرت مهدی (عج) حرکت جهادی خویش را با جنگ با فتنه‌گران منحرف می‌آغازد و ابتدا فتنه را در جهان اسلام خاموش می‌کند و فتنه‌گران را از سر راه بر می‌دارد، آنگاه به سراغ حاکمان شرک و کفر می‌رود.^(۳۸) آن حضرت در خشکاندن ریشه فتنه و نابودی فتنه‌گران چنان مصمم و قاطع است که بسیاری از همین فتنه‌گران می‌گویند که او از آل محمد نیست، اگر از آل محمد بود، حتماً رحم و شفقت می‌ورزید.^(۳۹) از این رو، آنچه در روایات دربارهٔ قتل و کشتار به دست حضرت مهدی (عج) آمده، مربوط به انسانهای ستمگر، منحرف و فتنه‌گری است که در برابر حاکمیت دین حق سر فرود نمی‌آورند، اما توده‌های مستضعف خواه کافر یا مسلمان، نه تنها سهمی از شمشیر آن حضرت ندارند، بلکه در پرتو لطف و شفقت و عدالت‌گستری و حق‌محوری‌اش، از ظلم و ستم و انحراف رها و فوج و فوج وارد دین خدا می‌شوند و به رستگاری می‌رسند.

۴. چگونگی جهاد حضرت مهدی (عج)

از آنجا که جهاد منهای دعوت به پذیرش دین حق و تمکین در برابر آن مشروع نیست، حضرت مهدی (عج) نیز پس از ظهور و پیش از دست بردن به شمشیر، مردم جهان را به دین حق فرا می‌خواند. از امام سجاد (ع) نقل شده که حضرت مهدی پس از قیام می‌فرماید: «ای مردم، من فلانی فرزند فلانی هستم، من پسر پیغمبر خدا هستم، شما را به همان چیزی دعوت می‌کنم که پیامبر خدا شما را به آن فرا خواند».^(۴۰) در روایت دیگر آمده «مردم! پایان جهان و فرجام آن نزدیک شده و دنیا جدایی خویش را اعلان کرده است. من شما را به سوی خدای یکتا و پیام‌آورش، محمد (ص)، و عمل به کتاب او و نابودی باطل و احیای سنت فرا می‌خوانم».^(۴۱)

همچنین از برخی روایات استفاده می‌شود که بنای حضرت مهدی در جهاد با دشمنان این است که خون کسی به ناحق نریزد و حریم بی‌گناهی شکسته نشود و خانه‌ای ویران نگردد و به‌طور کلی احکام شریعت رعایت گردد و هیچ حقی از صاحب حقی پایمال نشود. در روایتی آمده که «آن حضرت از یارانش بیعت می‌گیرد که دزدی و زنا نکنند و مسلمانی را

دشنام ندهند و نفس محترمی را نکشند و حریم محترمی را هتک و منزلی را ویران نکنند»^(۴۲) در روایت دیگر آمده که فرمان آن حضرت در جنگ با فتنه گران به ظاهر مسلمان این است که «هر کس را که فرار کرده و دست از مقاومت کشیده است نکشید، مجروحان را آسیبی نرسانید»^(۴۳) البته روایاتی با این مضمون نیز وجود دارد که سیره حضرت مهدی (عج) در جنگ با بغات و فتنه گران با سیره حضرت علی (ع) تفاوت می کند. در روایتی از قول علی (ع) آمده است: «برای من کشتن فراری و مجروح جایز بود، اما آن را برای سرنوشت یارانم - که اگر [پس از من در جنگ] مجروح شدند، [به استناد سیره من] کشته نشوند - ترک کردم، اما برای قائم [چون چنین مصلحتی وجود ندارد] کشتن فراری و مجروح جایز است»^(۴۴).

۵. سلاح و مدت جهاد حضرت مهدی (عج)

در روایات از شمشیر به عنوان سلاح حضرت مهدی (عج) در جنگ با دشمنانش بسیار سخن رفته است. در اینکه واژه شمشیر در این روایات در معنای حقیقی به کار رفته یا نه اختلاف است. برخی معتقدند که شمشیر، نماد و رمز جهاد و کاربرد سلاح است. از این رو، معنای این روایات این نیست که آن حضرت در آخرالزمان از شمشیر استفاده می کند، بلکه سلاحهای متعارف عصر ظهور را به کار می برد. علت کاربرد این واژه در روایات، رعایت سطح فکری و فرهنگی مردم عصر صدور این روایات است،^(۴۵) زیرا آنان سلاحی جز شمشیر نمی شناختند و پیشگویی سلاحهای عصر ظهور برای آنان قابل فهم و درک نبود. برخی دیگر برآنند که از ظاهر این روایات بر می آید که خداوند اراده کرده که حضرت مهدی (عج) را همان گونه یاری کند که پیامبران پیشین و رسول خدا (ص) را یاری کرده است. از این رو، هر چه در خدمت آنها بوده، در خدمت آن حضرت هم خواهد بود و بنابراین چاره‌ای نیست جز اینکه بگوییم که آلات و ابزارهای معمول و رایج در زمان ما و یا وسایل و تجهیزات جنگی پیشرفته تری که در آینده ساخته می شود، به علل معنوی یا ظاهری که بر ما پوشیده است، در زمان ظهور بدون استفاده خواهند ماند و از رونق خواهند افتاد.^(۴۶) اما اینکه جهاد آن حضرت چه مدت به طول می انجامد، بیشتر روایات هشت ماه را ذکر کرده‌اند.^(۴۷)

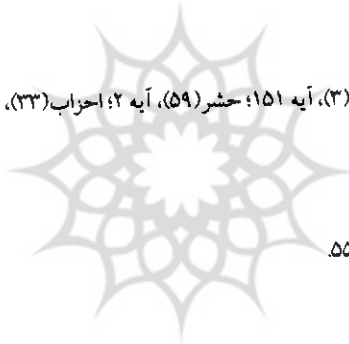
نتیجه گیری

انقلاب و قیام جهانی حضرت مهدی (عج) همچون بعثت رسول خدا (ص) بدون جهادی سخت و نفس گیر به سامان نمی رسد. به دیگر سخن، جهاد آزمونی است دشوار که فراراه مردمان عصر ظهور است، چنان که مردمان عصر بعثت نیز با جهاد در راه خدا امتحان شدند. نیر و های مسلح ما اگر مشتاقانه از خدای متعال می خواهند که ظهور آن منجی بزرگ را درک کنند و در خدمت آرمان بلند او قرار گیرند و از یاوران او باشند، باید روز به روز بر آمادگی معنوی و روحی و رزمی و تسلیحاتی خویش بیفزایند، زیرا آمادگی همه جانبه برای کارزار با دشمنان، فرمان جاویدان قرآن کریم به همه مؤمنان در همه عصرهاست. (۴۸)

پی نوشتها

۱. «او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشتند باشند». توبه (۹)، آیه ۳۳. همچنین ر.ک: فتح (۴۸)، آیه ۲۸؛ صف (۶)، آیه ۹.
۲. «با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد، و دین مخصوص خدا شود...». بقره (۲)، آیه ۱۹۳. همچنین ر.ک: انفال (۸)، آیه ۳۹.
۳. زواره و دیگران از امام صادق (ع) روایت کرده اند که حضرت فرمود: «هنوز تأویل و تحقق این آیه (آیه ۳۹ انفال) فرا نرسیده است. هنگامی که قائم ما قیام کند، کسانی که او را درک می کنند، تأویل این آیه را خواهند دید...».
- مجمع البیان، طبرسی (دارالمعرفة للطباعة والنشر، چاپ اول، ۱۴۰۶ ه. ق، بیروت) ج ۳-۴، ص ۸۳۴.
۴. ر.ک: عقد الدرر فی اخبار المنتظر، یوسف بن یحیی الشافعی (دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۸ ه. ق، بیروت) ص ۱۶۰.
۵. «... هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است...».
۶. ظهور نور (ترجمه الشموس المضيئه)، علی سعادت پرور، ترجمه سید محمد جواد وزیری فرد (انتشارات تشیع، چاپ اول، ۱۳۷۶، قم) ص ۲۰۸.
۷. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی (دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۶۴) ص ۳۱.
۸. همان.
۹. ر.ک: نساء (۴)، آیه ۱۷۳.
۱۰. ر.ک: یوسف (۱۲)، آیه ۲۱ و ۵۶؛ کهف (۱۸)، آیه ۸۴؛ حج (۲۲)، آیه ۴۱.
۱۱. بقره (۲)، آیه ۱۹۳.
۱۲. ر.ک: المیزان، علامه طباطبایی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ پنجم، ۱۴۰۳ ه. ق، بیروت) ج ۲، ص ۶۲.
۱۳. توبه (۹)، آیه ۲۹.
۱۴. ر.ک: المیزان، ج ۹، ص ۲۴۲-۲۴۳.
۱۵. المهدي، سید صدرالدین صدر، به اهتمام سید باقر خسروشاهی، (دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۹، قم) ص ۲۳۸.
۱۶. عقد الدرر، ص ۱۵۳.

١٧. المهدي، ص ٢٣٤.
١٨. بحار الأنوار، علامه مجلسي، مؤسسة الوفاء، چاپ دوم، ١٤٠٣ هـ. ق، بيروت) ج ٥٢، ص ٣٨١.
١٩. همان، ص ١٣٩.
٢٠. المهدي، ص ١١٣.
٢١. عقد الدرر، ص ١٠٠.
٢٢. تاريخ ما بعد الظهور، محمد صدر، (دارالتعارف للمطبوعات، چاپ دوم، بيروت)، ص ٤٤٤.
٢٣. همان، ص ٥٥٤.
٢٤. ر.ك: آل عمران(٣)، آية ١٢٤ و ١٢٥؛ انفال(٨)، آية ٩؛ توبه(٩)، آية ٢٦؛ احزاب(٣٣)، آية ٩.
٢٥. ر.ك: آل عمران(٣)، آية ١٢٦؛ انفال(٨)، آية ١٠.
٢٦. بحار الأنوار، ج ٥٢، ص ٢٢٣ و ٢٣٨.
٢٧. المهدي، ص ٢٢٢.
٢٨. بحار الأنوار، ج ٥٢، ص ٣٤٧-٣٤٨.
٢٩. همان، ص ٣٠٨.
٣٠. ظهور نور، ص ٢٢٦.
٣١. همان.
٣٢. همان، ص ١٨٨.
٣٣. همان، ص ١٩١.
٣٤. ر.ك: انفال(٨)، آية ١٢؛ آل عمران(٣)، آية ١٥١؛ حشر(٥٩)، آية ٢؛ احزاب(٣٣)، آية ٢٦.
٣٥. بحار الأنوار، ج ٥٢، ص ٣٦٠.
٣٦. عقد الدرر، ص ١٤٢.
٣٧. بحار الأنوار، ج ٥٢، ص ٣٤٣.
٣٨. تاريخ ما بعد الظهور، ص ٥٥٨-٥٥٩.
٣٩. عقد الدرر، ص ١٦٠.
٤٠. ظهور نور، ص ١٦٨.
٤١. عقد الدرر، ص ١٠٥-١٠٦.
٤٢. منتخب الاثر في الامام الثاني عشر(ع)، لطف الله صافي گلپايگانی، (مکتبة الصدر، چاپ سوم، تهران)، ص ٤٤٩.
٤٣. بحار الأنوار، ج ٥٢، ص ٣٨٧.
٤٤. همان، ص ٣٥٣.
٤٥. تاريخ ما بعد الظهور، ص ٥٨٢-٥٨٣.
٤٦. ظهور نور، ص ٢٠٢-٢٠٣.
٤٧. تاريخ ما بعد الظهور، ص ٥٨٧-٥٨٩.
٤٨. انفال(٨)، آية ٦٠.



شركه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
رتال جامع علوم انساني